

با قانون 3 + 7 ازدواج کنید

در جوامع شهری که انتظارات متفاوتی از زن و مرد وجود دارد سن ازدواج بالاتر از جوامع قبیله‌ای و عشیره‌ای است.



در جوامع شهری که انتظارات متفاوتی از زن و مرد وجود دارد سن ازدواج بالاتر از جوامع قبیله‌ای و عشیره‌ای است.

به گزارش سلامت نیوز، دکتر بهروز جلیلی-روان‌پزشک و دانشیار دانشگاه در هفته نامه زندگی مثبت نوشت: ازدواج هم از نظر مذهبی و هم از دیدگاه عرف و ارزش‌های جامعه امری مقدس است. برخلاف برخی جوامع غربی که ازدواج را امری جنسی می‌بینند در جامعه ما ازدواج شروع رابطه‌ای مقدس بین مرد و زن است و دیدگاه علمی و اجتماعی ما با این طرز نگاه غربی‌ها کاملاً متفاوت است.

همخانه شدن قبل ازدواج معنا ندارد

هم از لحاظ دینی و هم عرف جامعه آشنایی یک خانم و آقا قبل از ازدواج هیچ منعی ندارد. البته به شرطی که با شرایط، رسوم و عرف جامعه همخوانی داشته باشد. ما همانند جوامع غربی نمی‌توانیم بپذیریم مرد و زن بدون هیچ عقد قراردادی زیر یک سقف با یکدیگر زندگی کنند، اما نکته مهمی که در امر ازدواج باید به آن پرداخت این است که این آشنایی باید در چه سنی اتفاق بیفتد و آیا

2 جوان در سنین 18 یا 19 سالگی می‌توانند دو زوجی خوب برای یکدیگر باشند؟ این اتفاق در جوامعی که به صورت قبیله‌ای زندگی می‌کنند، می‌تواند بیفتد و مشکلی هم ایجاد نمی‌کند چون افرادی که در یک جامعه قبیله‌ای و عشیره‌ای زندگی می‌کنند بلوغ جسمی و جنسی‌شان به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شود و انتظاراتی که از یک مرد در چنین محیطی ایجاد می‌شود بر همین اساس است و همین‌طور هم در مورد یک زن. برای مثال در چنین محیط‌هایی وقتی زن بتواند از عهده برخی وظایف زنانه مثل خانه‌داری، آشپزی و... برآید مناسب برای ازدواج است، اما سوال اینجاست چند درصد مردم جامعه ما به صورت عشیره‌ای و قبیله‌ای زندگی می‌کنند؟

از گذشته‌های دور سن ازدواج از نظر جامعه شهری و عشیره‌ای همیشه با یکدیگر متفاوت بوده و در حال حاضر هم این تفاوت دیده می‌شود.

سن مناسب ازدواج

معمولاً دخترها و پسرها از اوایل سن 15 و 17 سالگی به یک ثبات فکری نسبی می‌رسند که بر همین اساس می‌توانند در مورد ازدواج فکر کنند. (البته تنها فکر کنند) اما انتظارات خانواده و جامعه متفاوت است. برای مثال در جامعه شهری در برخی خانواده‌ها اتمام دوره دبیرستان و گرفتن مدرک دیپلم را پایان تحصیلات فرزندشان در نظر می‌گیرند در حالی که در برخی خانواده‌های دیگر مدرک کارشناسی یا کارشناسی ارشد حداقل تحصیلات برای فرزندشان است و بالطبع سن ازدواج در خانواده دوم بالاتر خواهد بود که نمی‌توان این اتفاق را نامعقول در نظر گرفت.

اما آیا ازدواج در سنین پایین‌تر می‌تواند با شکست و طلاق بیشتری همراه باشد؟ متأسفانه جواب مثبت است و در 60 و 70 درصد موارد به دلیل ناپختگی هیجانی این اتفاق می‌افتد. زیرا برخی هوس‌ها به پای عشق و علاقه گذاشته می‌شود و ازدواجی که بر این اساس شکل گرفته پایان خوشی در انتظارش نخواهد بود.

بیاید ساده‌تر صحبت کنیم. به نظر شما در اجتماعی مانند شهر تهران، سن ازدواج یک خانم و آقای تحصیلکرده چقدر می‌تواند باشد؟ یک مرد حوالی سن 32 تا 35 و یک خانم با سن 25 تا 26 در سن مناسب و طبیعی ازدواج قرار دارند، اما تنها از نظر مساله درک تفاهم بین زوج نباید به سن ازدواج دقت کنیم بلکه مسائل بیولوژیک و زیست‌شناسی هم در سن ازدواج اهمیت

زیادی دارد. برای مثال از لحاظ علمی سنین باروری در یک خانم بین 23 تا 32 سال است که باروری را در این سنین بی‌خطر می‌کند. البته مواردی هم وجود دارد که زنی با 42 یا 50 سال بارداری موفقی داشته اما مقصود از ذکر کردن سن باروری میانگین سن باروری سالم در خانم‌هاست. البته این نکته را هم باید اضافه کرد که در این مورد سن مرد چندان دخالت ندارد و باعث خطر در باروری نمی‌شود چه بسا مردی در 70 سالگی هم می‌تواند صاحب فرزند سالم شود.

قانون 37

در مورد سن ازدواج قانونی به نام 37 وجود دارد که بر این اساس یک مرد می‌تواند 7 سال از یک زن بزرگ‌تر باشد که اگر این تفاوت در مواردی 3 سال کمتر از 7 سال یا 3 سال بیشتر از 7 سال باشد هم ایرادی ندارد. البته باز هم تأکید می‌کنم مواردی هم وجود دارد که زن از مرد چند سال بزرگ‌تر بوده و هیچ مشکلی در ازدواج ایجاد نشده است و حتی زن به دلیل پختگی‌ای که داشته، توانسته بهتر زندگی زناشویی‌اش را کنترل کند، بنابراین قوانین موجود به صورت مطلق نیست. سوال دیگری که مطرح می‌شود اینکه برای ازدواج تنها سن و توقعات تحصیلی اهمیت دارد یا عوامل دیگری در سن ازدواج دخالت دارند؟ مطمئناً عوامل دیگری در ازدواج تاثیرگذار هستند که یکی از آنها وجود نداشتن تفاوت مذهبی است. برای مثال ازدواج‌هایی که زن و مرد از یک مذهب نبوده‌اند باعث بروز اختلافاتی بین همسران شده است. تا حدی که تفاوت زبانی بین زوجین به اندازه تفاوت مذهبی در تفاهم و سازگاری زن و مرد تاثیرگذار نبوده است.

قبل ازدواج چشمتان را به عیوب یکدیگر باز کنید

این قانون روان‌شناختی و جامعه‌شناختی کاملاً درست است که تا قبل از ازدواج چشم خود را تا می‌توانید نسبت به عیوب یکدیگر باز کنید و بعد از ازدواج چشم خود را نسبت به عیوب یکدیگر ببندید، اما متأسفانه جوان‌ها نسبت به این قانون چندان پایبند نیستند و تن در نمی‌دهند. ممکن است مردی از یک خانواده مذهبی با زنی از خانواده نه‌چندان مذهبی ازدواج کند و به امید تغییر زن چشم خود را نسبت به بی‌حجابی و بی‌بندوباری‌های اخلاقی خانواده همسرش ببندد اما اصلاح رفتار زن و تغییر او ممکن است اصلاً اتفاق نیفتد و عملی نباشد. برعکس این مورد هم ممکن است اتفاق بیفتد. در واقع، بی‌توجهی نسبت به همین موضوعات است که باعث بالا رفتن آمار طلاق می‌شود.

اول تفاهم بعد بارداری

ازدواج به معنای یک عمر زندگی است نه اینکه بعد از چند سال به طلاق ختم شود. زن و مرد باید بر اساس اصولی با یکدیگر ازدواج کنند که اگر حتی بعد از گذشت 3 یا 5 سال صاحب فرزندی نشوند باز هم امید بارداری وجود داشته باشد زیرا ابتدا باید تفاهم‌هایی بین زن و مرد وجود داشته باشد و بعد نسبت به بارداری اقدام کرد. در جامعه ما عوامل تاثیرگذاری مانند مسکن و شغل وجود دارد که در امر ازدواج دخالت دارد و نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. اگر تا 30 یا 40 سال پیش تهیه مسکن آسان بود، در حال حاضر سخت است. به همین دلیل خانواده‌های طرفین خصوصاً مرد باید به او در این امر کمک و او را حمایت کنند. البته ابتدا باید به این اطمینان رسید که دختر و پسر به بلوغ فکری رسیده‌اند و قدرت مبارزه در زندگی را به دست آورده‌اند.